



۲۰۱۸/۱۰/۱۰



طارق ارسلائی

زلمی خلیل زاد در مأموریت جدید صلح



روز گذشته آقای زلمی خلیل زاد، دیپلمات امریکائی افغان الاصل، در مأموریت جدید خود به حیث "مشاور وزارت خارجه امریکا در امور صلح" وارد کابل گردید.



خلمی خلیل زاد مجدداً نماینده خاص اضلاع متحده امریکا در افغانستان تعیین گردید

از تصادفات تاریخ و یا هم از شیطنت های سیاست یکی هم اینکه آقای زلمی خلیل زاد در همان روزی وارد افغانستان گردید که درست هفده سال قبل از آن در همین روز امریکا مأموریت بزرگ نظامی خود را با پرتاب بمب ها در افغانستان آغاز نمود؛ و باز هم شگفت انگیزتر این که هفده سال قبل همین آقای خلیل زاد در مقام نماینده کشوری که شبپور جنگ را می نواخت، نظامی را به ما تحمیل نمود که هفده سال را به کمک تنفس های مصنوعی بسر رسانده است و اکنون باز هم آقای خلیل زاد چون طیب حاذق از راه رسیده است تا بیماری را که خود و دوستانش به این تب مبتلا نموده اند از مرگ نجات دهد.

ایکاش "ماموریت هفده سال قبل" آقای زلمی خلیل‌زاد با "هدف کنونی" آغاز می‌گردد تا بهانه‌ای برای جنگ و ویرانی پدید نمی‌آید. تو گویی که قدرت‌های بزرگ نیز با قحط الرجال مواجه هستند که "وایسرای جنگی" دیروز "مشاور صلح" امروز تعیین می‌گردد.

سفر آقای خلیل‌زاد با عکس‌العمل‌های متفاوتی در میان افغان‌ها مواجه گردید. اینکه دولت آمریکا چرا آقای خلیل‌زاد را به این مأموریت گماشته است، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد ولی توجه به چند نکته اساسی برای ما افغان‌ها خیلی مهم است:

- یک: از آقای خلیل‌زاد اکثراً به حیث "یکی از مهندسين" کنفرانس "بُن" یاد می‌گردد. اگر بپذیریم که حالت ناگوار فعلی افغانستان ناشی از ناکامی کنفرانس بُن می‌باشد پس آقای خلیل‌زاد واضحاً در مأموریت قبلی خود ناکام بوده است. فلذا هیچ ضمانتی وجود ندارد که گماشتن "شخص ناکام" در وظیفه کنونی نتیجه "کامیاب" را بدست خواهد داد.
- دو: آقای خلیل‌زاد در حالی مأمور حمل "شاخه زیتون" می‌گردد که در طول مأموریت‌های رسمی خویش در هر کشوری که قدم رنجه نموده است به جز از جنگ و کشتار و ویرانی ارمغانی با خود نبرده است. آیا بهتر نبود تا شخصی مأمور اجرای این وظیفه گردد که دارای تجربیات کافی در ابتکارات صلحجویانه می‌بود؟
- سه: آقای خلیل‌زاد از جانب دولتی برای مأموریت صلح فرستاده می‌شود که خود سیاست‌های زورگویی، قُلدری، و "خود برتری" را در جهان اختیار نموده است. ادبیات صلح و ادبیات جنگ از هم کاملاً متفاوت استند ولی تا کنون در گفتار، حرکات، و "تویت"‌های وقت و بی‌وقت آقای "ترمپ" حرفی از صلح اصلاً به نظر نمی‌رسد. پس تعجب در این است که آقای خلیل‌زاد به دنبال کدام مأموریت فرستاده شده است؟
- چهار: "برقراری صلح در افغانستان" و "راه برون رفتن از معضله فعلی" با آنکه شاید ممد یکدیگر واقع گردند ولی نباید با هم مغالطه شوند. بعضاً نشانه‌هایی وجود دارد که امریکائی‌ها در جست و جوی راه برون رفت از جنگ فعلی افغانستان استند، ولی همچنانی که خروج شوروی سابق باعث ختم جنگ در افغانستان نگردید بدون شک که برون رفتن امریکائی‌ها نیز باعث برقراری صلح در افغانستان نخواهد گردید. دیده شود که فعالیت‌های آقای خلیل‌زاد بیشتر در کدام محور متمرکز خواهد بود؟
- پنج: متأسفانه امروز سیاست آمریکا و سیاست جهانی در دست شرکت‌های بزرگ اقتصادی Corporations قرار گرفته است که نی‌اختیار جنگ در دست وزارت دفاع آمریکا باقی مانده است و نی‌هم ابتکار صلح در کف وزارت خارجه. فقط چند روز قبل از سفر آقای زلمی خلیل‌زاد، "ایریک پرنس Erik Prince" مؤسس کمپنی خصوصی امنیتی "Black Water" نیز سفری به کابل داشت. "ایریک پرنس" که از دوستان نزدیک "آقای ترمپ" می‌باشد از چندی به این طرف تلاش‌هایی را در جهت "واگذاری جنگ افغانستان به شرکت امنیتی بلک واتر" به راه انداخته است. دیده شود که آیا آقای خلیل‌زاد توان مصاف با دوستان قدرتمند امریکائی خود را خواهد داشت؟

- شش: بعضی افغانها آقای خلیزاد را بزرگتر از آنچه که هست تصور مینمایند و توقعاتی دارند که برآورده نمودن آن از توان موصوف خارج است. ولی اینرا باید درک نمائیم که از آقای خلیزاد بیشتر به علت "سابقه مذهبی و منطقی" موصوف استفاده گردیده است تا از استعداد و مهارت سیاسی اش،
 - هفت: صلح مستلزم "اقرار بزبان" و "اقدام به عمل" میباشد. هر زمانی که امریکا ناکامی ماموریت و اشتباهات خودرا در افغانستان بپذیرد، اراده اش برای صلح قویتر میگردد. دولت امریکا از یکطرف ناکامی ماموریت خودرا نمیپذیرد اما از طرف دیگر تلاشهای را برای بیرون شدن از جنگ فعلی افغانستان براه انداخته است،
 - هشت: اکثر ماموریت های سیاسی با "سناریوی" از قبل آماده شده براه می افتند. امید که ماموریت آقای خلیزاد نیز از همین قماش نباشد به شکلی که: سر انجام "ملا گمنام" به پروسه صلح میپیوندد ولی "ملا بد نام" به جنگ ادامه میدهد، و بعد آن ماموریت آقای خلیزاد نیز موفقانه اعلان میگردد Mission accomplished ولی ملت افغان باز در جست و جوی "خلیزاد" دیگری ... و القصه،
- جنگ های چهار دهه و بازی های روزگار چنان ملت ما را خرد و خمیر و بیچاره ساخته است که هر "روشنائی کاذب" را "صبح صادق" گمان می برند و با شتاب سر به سجده می گذارند و شکرانه اداء می کنند. صلح خیر است و ملت ما از هر زمانی بیشتر به آن نیاز دارد، اما آن صلحی که در آن شرف و حیثیت ملت افغان معامله نگردد. با دعای صلح واقعی، پایدار، و با افتخار در کشور. نهم اکتوبر ۲۰۱۸ طارق ارسلانی - ایالت ورجینیا ، امریکا

